

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

استاد محمد نسیم "اسیر"
کابل – سنبله ۱۳۳۰ ش
اگست ۱۹۵۱ م

پاچه گیر

از دفتر خاطرات گذشته

در ملک ما کسی که رئیس و وزیر شد
چون تکیه بر اریکه جـاه و مقام زد
در پیش پای مقتدران خم نمود سر
کاکا رجب که بی هنر و بی سواد بود
برپا نمود بزم سرور و شراب و عیش
در رمه همچو گرگ فتاد و درید و رفت
بس خائنی که صاحب جاه و جلال گشت
آن را که بود واسطه خـانوادگی
گر شاعر است یا که نویسنده حیف، حیف
هر آمری که رشوه ستانـد به دفتری
دیگر مخور برای خدا خون مردمان
گفتم که راست باش به پیش خدا و خلق
شد روسیاه هر که خیانت به قوم کرد

زد غوطه ها به کان نمک تا خمیر شد
در فکر کار خود شد و راحت پذیر شد
بر بی وسیلگان وطن سختگیر شد
با مکر و حيله واسطه کرد و مدیر شد
رشوت بداد و رشوه گرفت و شریر شد
یعنی خدا نکرده "سگ پاچه" گیر شد
بس بی گنه که هیچ نکرد و اسیر شد
پیهم سفر نمود و مکرر سفیر شد
بهر ستایش دوسه ناپاک اجیر شد
مادون به کار چور و چپو ناگزیر شد
بگذار جور و ظلم که مردم فقیر شد
کجرو سیاهروی و زبون و حقیر شد
چون جاده پراز گل ولایی که قیر شد

خاموش باش [اسیر] که از فرط انتقاد

در شهر هر که می نگریم با تو خیر شد